



معرفت‌شناسی در قرآن

دکتر محمدتقی فعالی



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

زمستان ۱۳۹۴

فغالی، محمدتقی، ۱۳۴۱ -

معرفة شناسی در قرآن / محمدتقی فغالی؛ ویراستار سعیدرضا علی عسکری - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۴.
بیست: ۵۰۸ ص. (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه: ۳۴۱: قرآن پژوهی؛ ۳۴)

ISBN: 978-600-298-112-7

بها: ۲۰۰۰۰ ریال

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه: ص. [۴۸۳]-۴۹۲؛ همچنین به صورت زیرنویس.

نمایه.

۱. شناخت (فلسفه اسلامی) - جنبه های قرآنی. ۲. شناخت (فلسفه اسلامی) - احادیث. الف. علی عسکری، سعیدرضا، ۱۳۴۴ -
ویراستار. ب. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ج. عنوان

۲۹۷/۱۵۹

BP۱۰۴ / ۷۸۵۷ ش / ۱۳۹۴

۳۹۷۸۸۹۱

شماره کتابشناسی ملی



معرفة شناسی در قرآن

مؤلف: محمدتقی فغالی

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (شماره انتشار: ۳۴۱: قرآن پژوهی: ۳۴)

ویراستار: سعیدرضا علی عسکری

صفحه آرایی: اعتصام

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۴

تعداد: ۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - سبحان

قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات ۳۲۱۱۱۳۰۰)

نمابر: ۳۲۸۰۳۰۹۰، ص. پ. ۳۱۵۱-۳۷۱۸۵

تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، نبش کوی اُسکو، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰

www.rihu.ac.ir

info@rihu.ac.ir

www.ketab.ir/rihu: فروش اینترنتی

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی [به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و مهار پدیده‌های انسانی] در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی و فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع، شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی رحمته‌الله بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را در سال ۱۳۶۱ فراهم ساخت و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت اساتید حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جوامع علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار ده‌ها کتاب و نشریه علمی اشاره کرد.

این کتاب به عنوان منبع کمک درسی برای دانشجویان رشته‌های «علوم قرآن و حدیث»؛ «گرایش‌های مختلف فلسفه» و «معرفت‌شناسی» در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری و نیز طلاب سطوح عالی حوزه فراهم آمده است که البته دیگر علاقه‌مندان به این زمینه تحقیقی نیز می‌توانند از آن بهره‌مند شوند.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از تلاش‌های نویسنده گرامی، آقای دکتر محمدتقی فعالی و نیز ناظران محترم طرح، حجج اسلام والمسلمین آقایان دکتر محمدباقر سعیدی روشن و دکتر علی شیروانی تشکر و قدردانی کند.

فهرست مطالب

دییاجه ۱

فصل اول: چیستی معرفت

۱. جایگاه معرفت‌شناسی	۷
۲. معرفت‌شناسی پیشینی و معرفت‌شناسی پسینی (معرفت‌شناسی قرآنی و معرفت‌شناسی قرآن)	۹
۳. روش‌شناسی کشف معانی واژه‌های معرفتی قرآن	۱۴
۱-۳. ریشه‌شناسی واژه	۱۹
۲-۳. انتخاب واژه	۲۰
۳-۳. جایگاه واژه	۲۱
۴-۳. توصیف بافتی	۲۲
۵-۳. توصیف جانشینی	۲۳
۶-۳. توصیف به تضاد	۲۵
۷-۳. توصیف سلبی	۲۶
۸-۳. ساختار موازنه‌ای	۲۷
۹-۳. توصیف علی	۲۸
۱۰-۳. تصنیف	۲۹
۴. زبان بی‌بدیل	۳۳
۵. واژه‌های مستقیم و غیرمستقیم	۳۴
۶. اصطلاحات عام و خاص	۳۴
۷. واژه‌های معرفتی	۳۵
۸. شیوه طبقه‌بندی	۳۶
۹. معناشناسی واژه‌های معرفتی	۳۶
۱-۹. معرفت	۳۶
الف) در لغت	۳۷
ب) در قرآن	۳۷

۳۸	اول، بازشناسی
۳۹	دوم، معرفت از طریق نشانه
۴۰	سوم، فهم و قبول
۴۱	چهارم، معرفت آیه‌ای
۴۱	پنجم، معرفت غیبی
۴۲	۲-۹. علم
۴۲	الف) در لغت
۴۳	ب) در قرآن
۴۴	اول، دانستن
۴۵	دوم، علم برهانی یا تعقل
۴۶	سوم، علم با عمل، علم هدایتی
۴۸	چهارم، علم شهودی
۴۹	پنجم، یقین
۵۱	ششم، علم وحیانی
۵۳	هفتم، علم وهبی
۵۵	هشتم، بصیرت، علم باطنی
۵۶	نکته یکم، مراتب علم
۵۷	نکته دوم، نفس در آغاز آفرینش
۵۷	نکته سوم، معلم کیست؟
۵۸	نکته چهارم، علم یقینی و عقاید
۵۸	نکته پنجم، تقوا و علم
۵۹	نکته ششم، تعریف فلسفی
۵۹	نکته هفتم، معناشناسی علم در کتب لغت قرآنی
۶۰	۳-۹. قلب (صدر، روح، نفس و فؤاد)
۶۰	الف) در لغت
۶۱	ب) در قرآن
۶۲	دسته اول: صفات قلب
۶۲	- قساوت
۶۳	- اطمینان
۶۴	دسته دوم: حالات قلب
۶۶	دسته سوم: افعال قلب
۶۶	دسته چهارم: ویژگی‌های ادراکی قلب
۶۷	دسته پنجم: ضلالت قلب
۶۹	دسته ششم: نفس و قلب
۷۴	۴-۹. چهل
۷۴	الف) در لغت
۷۵	ب) در قرآن

۷۵	اول، بی‌خردی یا سفاهت (مقابل عقل)
۷۶	دوم، نادانی (مقابل علم)
۷۶-۹	۵- حس
۷۷	الف) در لغت
۷۷	ب) در قرآن
۷۸	اول، ادراک حسی
۷۹	دوم، ادراک قلبی
۸۰-۹	۶- برهان
۸۰	الف) در لغت
۸۱	ب) در قرآن
۸۱	اول، حجت واضح
۸۲	دوم، امر مشهود
۸۳-۹	۷- کشف
۸۳	الف) در لغت
۸۴	ب) در قرآن
۸۶-۹	۸- فقه
۸۶	الف) در لغت
۸۷	ب) در قرآن
۸۷	اول، فهم عمیق، فطانت
۸۸	دوم، علم باطنی
۸۹-۹	۹- تدبیر
۸۹	الف) در لغت
۹۰	ب) در قرآن
۹۲-۹	۱۰- عقل
۹۲	الف) در لغت
۹۳	ب) در قرآن
۹۷-۹	۱۱- فکر
۹۷	الف) در لغت
۹۹	ب) در قرآن
۱۰۵-۹	۱۲- نظر
۱۰۵	الف) در لغت
۱۰۶	ب) در قرآن
۱۰۶	اول، نگریستن (ادراک بصری)
۱۰۷	دوم، تفکر، تأمل و اعتبار
۱۰۹	سوم، خیره شدن
۱۰۹	چهارم، معرفت یافتن
۱۱۱-۹	۱۳- رؤیت

۱۱۱	الف) در لغت.....
۱۱۲	ب) در قرآن.....
۱۱۲	اول، رؤیت بصری.....
۱۱۳	دوم، علم، عقیده و حکم.....
۱۱۵	سوم، رؤیت قلبی و شهودی.....
۱۱۷	چهارم، تفکر.....
۱۱۸	پنجم، رؤیت وحیانی.....
۱۱۹	ششم، ظنّ.....
۱۱۹	هفتم، رؤیا.....
۱۲۰	هشتم، تعجب (أخبرنی).....
۱۲۱	۹-۱۴. عمی.....
۱۲۲	الف) در لغت.....
۱۲۲	ب) در قرآن.....
۱۲۳	اول، فقدان بصر ظاهری.....
۱۲۳	دوم، فقدان تعقل و تفکر.....
۱۲۴	سوم، ضلالت.....
۱۲۴	چهارم، فقدان بصر قلبی.....
۱۲۵	پنجم، فقدان بصر قبول و طاعت.....
۱۲۶	ششم، فقدان علم و یقین.....
۱۲۷	هفتم، اشتباه شدن و مستور ماندن.....
۱۲۸	۹-۱۵. صَمّ.....
۱۲۸	الف) در لغت.....
۱۲۹	ب) در قرآن.....
۱۲۹	اول، ناشنوایی.....
۱۳۰	دوم، نداشتن سمع قبول و طاعت.....
۱۳۱	۹-۱۶. نُهَى.....
۱۳۱	الف) در لغت.....
۱۳۱	ب) در قرآن.....
۱۳۳	۹-۱۷. لُبّ.....
۱۳۳	الف) در لغت.....
۱۳۳	ب) در قرآن.....
۱۳۵	نکته یکم، ویژگی‌ها.....
۱۳۶	نکته دوم، فهم روابط.....
۱۳۷	نکته سوم، عنوان‌های مربوط.....
۱۳۷	نکته چهارم، آثار و پیامدها.....
۱۳۸	۹-۱۸. شعور.....
۱۳۸	الف) در لغت.....

۱۳۹	ب) در قرآن.....
۱۳۹	اول، فطانت (علم دقیق).....
۱۴۰	دوم، علم غیبی.....
۱۴۲	۹-۱۹. حکمت.....
۱۴۲	الف) در لغت.....
۱۴۳	ب) در قرآن.....
۱۴۳	دسته اول، حکمت و کتاب.....
۱۴۴	دسته دوم، حکمت و لقمان.....
۱۴۵	دسته سوم، حکمت و خیر کثیر.....
۱۴۶	۹-۲۰. حجت.....
۱۴۷	الف) در لغت.....
۱۴۷	ب) در قرآن.....
۱۵۳	۱۰. چپستی معرفت با نگاه تطبیقی.....
۱۵۴	۱-۱۰. دیدگاه متفکران مسلمان.....
۱۵۷	۲-۱۰. دیدگاه معرفت‌شناسان معاصر.....
۱۵۷	الف) اطلاق‌های معرفت.....
۱۵۷	اول، معرفت «اینکه».....
۱۵۸	دوم، معرفت «چگونگی».....
۱۵۹	سوم، معرفت از راه آشنایی.....
۱۶۱	ب) تعریف معرفت.....
۱۶۴	۱۰-۳. مقایسه با نگاه قرآن.....
۱۶۵	الف) معرفت‌ها.....
۱۶۵	گونه نخست، علم حضوری.....
۱۶۶	گونه دوم، تصورات بدیهی.....
۱۶۶	گونه سوم، تصورات نظری.....
۱۶۷	گونه چهارم، تصدیقات بدیهی.....
۱۶۷	قرائت اول، دیدگاه علامه طباطبایی.....
۱۶۹	قرائت دوم، دیدگاه پلنتینگا.....
۱۷۲	گونه پنجم، تصدیقات نظری.....
۱۷۴	ب) فرامعرفت‌ها.....
۱۷۵	ج) تحلیل و بررسی.....
۱۷۵	اول، سطوح معرفت.....
۱۷۶	دوم، چند نگاه.....
۱۷۷	سوم، حقیقت اضافی علم.....
۱۷۸	نتیجه‌گیری.....

فصل دوم: هستی معرفت

۱۸۲ ۱. دامنه شکاکیت
۱۸۲ ۱-۱. شکاکیت وجودشناختی، معرفت‌شناختی و زبان‌شناختی
۱۸۴ ۱-۲. شکاکیت فراگیر و محدود
۱۸۵ ۲. مراحل شکاکیت
۱۸۷ ۳. انواع شکاکان
۱۸۷ ۳-۱. شکاک از راه استدلال
۱۸۷ ۳-۲. شکاک از راه سؤال
۱۸۸ ۳-۳. شکاک از راه طرز تلقی
۱۸۹ ۴. شکاکیت از نظر قرآن
۱۸۹ ۴-۱. ریب
۱۸۹ الف) در لغت
۱۹۰ ب) در قرآن
۱۹۲ ۴-۲. امترأء
۱۹۲ الف) در لغت
۱۹۳ ب) در قرآن
۱۹۳ معنای اول، شک و تردید
۱۹۴ معنای دوم، جدال
۱۹۴ ۴-۳. شک
۱۹۵ الف) در لغت
۱۹۵ ب) در قرآن
۲۰۰ ۵. استدلال‌های قرآنی بر امکان معرفت
۲۰۱ ۵-۱. دلیل اول، تعلیم اسما
۲۰۶ ۵-۲. دلیل دوم، وجود خطا
۲۰۸ الف) حق و باطل
۲۱۰ ب) تشبیه
۲۱۱ ج) لیس
۲۱۳ ۵-۳. دلیل سوم، تعلیم خدا
۲۲۳ ۵-۴. دلیل چهارم، یقین
۲۲۵ ۵-۵. دلیل پنجم، نفی شک و ریب
۲۲۹ ۵-۶. دلیل ششم، معرفت‌زایی تقوا
۲۳۳ ۵-۷. دلیل هفتم، حجاب
۲۳۷ ۵-۸. دلیل هشتم، تشویق‌ها و توبیخ‌ها
۲۳۹ ۶. یقین و مراتب آن در نگاه قرآن
۲۳۹ ۶-۱. معناشناسی
۲۴۰ ۶-۲. نگاه قرآن
۲۴۰ الف) یقین ایمانی

۲۴۱ (ب) یقین شهودی
۲۴۲ (ج) یقین علمی
۲۴۳ ۷-۱. ضد واقع‌گرویی و واقع‌گرویی
۲۴۳ الف) انواع
۲۴۴ اول، ضد واقع‌گرویی معرفت‌شناختی
۲۴۵ دوم، ضد واقع‌گرویی وجود‌شناختی
۲۴۵ سوم، نسبت‌گرایی معرفتی
۲۴۶ (ب) دلایل
۲۴۶ دلیل اول، تأثیر معرفت از عوامل بیرونی
۲۴۷ دلیل دوم، ماده‌انگاری انسان
۲۴۹ دلیل سوم، پدیدار‌انگاری اشیا
۲۵۰ (ج) جهان‌سازی
۲۵۲ ۷-۲. واقع‌گرویی
۲۵۲ الف) گونه‌ها
۲۵۲ گونه نخست: واقع‌گرویی معرفت‌شناختی
۲۵۳ گونه دوم: واقع‌گرویی منطقی
۲۵۳ گونه سوم: واقع‌گرویی معناشناختی
۲۵۳ گونه چهارم: واقع‌گرویی وجود‌شناختی
۲۵۴ (ب) دیدگاه قرآن
۲۵۴ اول، واقع‌گرویی غیرمستقیم
۲۵۵ دوم، واقع‌گرویی مستقیم
۲۵۵ ۸. امکان معرفت دینی
۲۵۵ ۸-۱. چیستی
۲۵۶ ۸-۲. شکاکیت دینی
۲۵۹ ۸-۳. دیدگاه قرآن
۲۶۵ نتیجه‌گیری

فصل سوم: منابع معرفت

۲۶۷ ۱. پیشینه‌شناسی
۲۶۸ ۲. معناشناسی لغوی
۲۶۹ ۳. معناشناسی اصطلاحی
۲۶۹ ۳-۱. مبدأ معرفت
۲۷۰ ۳-۲. متعلق معرفت
۲۷۱ ۳-۳. قوای ادراکی
۲۷۲ ۳-۴. مستند معرفت
۲۷۲ ۳-۵. منشأ معرفت

۲۷۲ سرچشمه‌های معرفت
۲۷۳ ۴-۱. طبیعت
۲۷۳ الف) منابع گوناگون
۲۷۳ صاعقه
۲۷۳ آسمان‌ها و زمین
۲۷۶ کوه‌ها
۲۷۶ باران
۲۷۸ رنگ‌ها
۲۷۸ ابرها
۲۷۹ بادها
۲۷۹ شب و روز
۲۸۰ کشتی‌ها
۲۸۰ ستارگان
۲۸۱ حیوانات
۲۸۱ ب) دیدگاه‌ها
۲۸۱ دیدگاه نخست: اندیشمندان غربی
۲۸۳ دیدگاه دوم: نظریه جوادی املی
۲۸۳ دیدگاه سوم: نظریه شهید مطهری
۲۸۳ ج) نظریه «خلقت»، نه «طبیعت»
۲۸۵ ویژگی نخست: هوشمندی
۲۸۶ ویژگی دوم: نظام‌مندی
۲۸۷ ویژگی سوم: نشانه‌بودن
۲۸۷ ویژگی چهارم: عبرت‌دهی
۲۸۸ ۴-۲. جهان
۲۸۸ فرشتگان
۲۸۹ شیاطین
۲۸۹ ملکوت
۲۸۹ آفریده
۲۹۰ نشانه
۲۹۳ ۴-۳. انسان (قلب یا فطرت)
۲۹۳ الف) موارد گوناگون
۲۹۳ خصلت‌ها
۲۹۴ ماده خلقت
۲۹۵ عاقبت اندیشی
۲۹۶ تفاوت‌ها
۲۹۶ فطرت
۲۹۷ ب) وجدان اخلاقی

۲۹۸ (ج) شناخت فطری
۲۹۸ اول، دیدگاه اندیشمندان غربی
۲۹۸ نظریه افلاطون
۲۹۹ نظریه دکارت
۳۰۰ نظریه فروید
۳۰۰ دوم، دیدگاه اسلام
۳۰۲ ۴-۴. تاریخ
۳۰۲ الف) نمونه‌ها
۳۰۲ قصه
۳۰۳ سیر و نظر
۳۰۴ فعل رَبّ
۳۰۵ ب) آینه تاریخ
۳۰۶ ج) آزمایشگاه عبرت
۳۰۶ مورد اول: دنیا
۳۰۷ مورد دوم: تاریخ
۳۰۷ د) تاریخ مدون و تکوینی
۳۰۷ گونه نخست: تاریخ مدون
۳۰۸ گونه دوم: تاریخ تکوینی
۳۰۸ ه) تاریخ و فراتاریخ
۳۰۹ ۴-۵. وحی
۳۰۹ الف) نمونه‌ها
۳۰۹ تدبیر
۳۱۰ تفقه
۳۱۰ تفکر
۳۱۱ ب) انواع کاربردهای وحی
۳۱۳ ج) معرفت‌زایی
۳۱۳ اول، اندیشمندان غربی
۳۱۵ دوم، نگاه قرآن
۳۱۷ نتیجه‌گیری

فصل چهارم: راه‌های حصول معرفت

۳۱۹ ۱. معناشناسی
۳۲۰ ۲. راه‌های حصول معرفت
۳۲۰ ۱-۲. طریق حسی
۳۲۱ الف) آیا حس راهی معتبر است؟
۳۲۱ دیدگاه نخست: متفکران غربی
۳۲۱ نظریه اول: حس یک راه است

۳۲۲	نظریهٔ دوم: حس، یگانه راه است.....
۳۲۴	نظریه سوم: حس راهی معتبر نیست.....
۳۲۴	دیدگاه دوم: آموزه‌های قرآن.....
۳۲۶	(ب) ارزش ادراک حسی.....
۳۲۶	اول، جایگاه.....
۳۲۷	دوم، دیدگاه‌ها.....
۳۲۷	وجه نخست: دیدگاه اندیشمندان غربی.....
۳۲۹	وجه دوم: دیدگاه متفکران اسلامی.....
۳۳۰	گونهٔ نخست: حکایتگری تصوّرات.....
۳۳۲	گونه دوم: حکایتگری تصدیقات.....
۳۳۲	دیدگاه اول: نظریه اضافه.....
۳۳۲	دیدگاه دوم: نظریه شیخ.....
۳۳۲	دیدگاه سوم: نظریه عینیت.....
۳۳۳	سوم، اثبات جهان خارج.....
۳۳۴	چهارم، قرآن و ارزشمندی حس.....
۳۳۶	(ج) خطا در حس.....
۳۳۶	اول، از منظر فلسفی.....
۳۳۸	دوم، از منظر قرآنی.....
۳۳۸	(د) محدودیت حسی.....
۳۳۹	اول، از دیدگاه فلسفی.....
۳۴۱	دوم، از دیدگاه قرآنی.....
۳۴۱	گونهٔ نخست: محدودیت وجودی.....
۳۴۱	مورد نخست، فرشتگان.....
۳۴۱	مورد دوم، خدا.....
۳۴۲	گونهٔ دوم: محدودیت تکلیفی.....
۳۴۲	(ه) قبل از حس.....
۳۴۲	اول، از نظر فلاسفه.....
۳۴۴	دوم، از نظر قرآن.....
۳۴۴	نکتهٔ اول: حواس، طریق علم‌اند.....
۳۴۵	نکتهٔ دوم: نفس در آغاز خالی از علم است.....
۳۴۶	نکتهٔ سوم: مفرد و جمع.....
۳۴۶	نکتهٔ چهارم: مقدّم و مؤخّر.....
۳۴۷	نکتهٔ پنجم: غایت حس.....
۳۴۷	(و) ویژگی‌های حس.....
۳۴۷	ویژگی نخست: شناخت ظواهر.....
۳۴۸	ویژگی دوم: توالی و موافات.....
۳۴۸	ویژگی سوم: شناخت افقی.....

۳۴۹	ویژگی چهارم: درگاه قلب
۳۴۹	ویژگی پنجم: ترکیه بخشی
۳۵۰	ویژگی ششم: پرده غفلت
۳۵۰	ویژگی هفتم: تصرف‌پذیری
۳۵۱	ز) تعداد حواس
۳۵۲	ح) نفی حس‌گرایی
۳۵۴	۲-۲. طریق عقلی
۳۵۵	الف) عقل‌گرایی قرآنی
۳۵۵	اول، نظر
۳۵۵	دوم، علم
۳۵۵	سوم، رؤیت
۳۵۶	چهارم، بصر
۳۵۶	پنجم، سمع
۳۵۶	ششم، غفلت
۳۵۷	هفتم، عمی
۳۵۷	هشتم، سکر
۳۵۷	نهم، برهان
۳۵۷	دهم، تدبیر
۳۵۸	یازدهم، استنباط
۳۵۸	دوازدهم، نُهی
۳۵۸	سیزدهم، لُبّ
۳۵۹	چهاردهم، فکر
۳۵۹	پانزدهم، عقل
۳۶۰	ب) فعالیت‌های عقل
۳۶۰	اول، از نگاه فلسفه
۳۶۰	گونه نخست: معناشناسی
۳۶۱	گونه دوم: دیدگاه‌ها
۳۶۱	گونه سوم: عقل نظری و عقل عملی
۳۶۲	گونه چهارم: کارکردهای عقل
۳۶۲	کارکرد نخست: مفاهیم ابداعی
۳۶۳	کارکرد دوم: تجزیه و تحلیل
۳۶۳	کارکرد سوم: ترکیب و تلفیق
۳۶۳	کارکرد چهارم: استنتاج
۳۶۳	کارکرد پنجم: تصنیف
۳۶۳	کارکرد ششم: تجرید و انتزاع
۳۶۴	کارکرد هفتم: مقایسه
۳۶۴	کارکرد هشتم: ادراک مفاهیم کلی

۳۶۴	دوم، از منظر قرآن.....
۳۶۴	کارکرد نخست: ادراک.....
۳۶۴	کارکرد دوم: آشکارسازی.....
۳۶۵	کارکرد سوم: تذکر.....
۳۶۵	کارکرد چهارم: استخراج حکم.....
۳۶۵	کارکرد پنجم: آینده‌پژوهی.....
۳۶۶	کارکرد ششم: ژرف‌اندیشی.....
۳۶۶	کارکرد هفتم: عقل مانع.....
۳۶۶	کارکرد هشتم: عقل خالص.....
۳۶۷	کارکرد نهم: درایت.....
۳۶۷	کارکرد دهم: تفکر.....
۳۶۸	کارکرد یازدهم: برهان‌آوری.....
۳۶۸	کارکرد دوازدهم: حقیقت‌شناسی.....
۳۶۹	کارکرد سیزدهم: نشانه‌شناسی.....
۳۶۹	کارکرد چهاردهم: سنن‌شناسی.....
۳۶۹	کارکرد پانزدهم: یقین‌زایی.....
۳۷۰	(ج) ویژگی‌های تعقل.....
۳۷۱	اول، خردورزی جمعی.....
۳۷۱	دوم، عقل و هوای نفس.....
۳۷۲	سوم، غلبه بی‌خردی.....
۳۷۲	چهارم، حجت بالغ.....
۳۷۳	پنجم، خرد ناب.....
۳۷۵	ششم، فهم پیوندها.....
۳۷۵	هفتم، جامعه شک‌گرا.....
۳۷۶	هشتم، کلید تعقل.....
۳۷۶	نهم، عقل و قلب.....
۳۷۷	دهم، تاریخ‌مندی معرفت.....
۳۷۷	(د) شیوه‌های توجیه در قرآن.....
۳۸۰	اول، تفکر از طریق حس.....
۳۸۱	دوم، معرفت از طریق نشانه.....
۳۸۱	سوم، اکتفا به کبرا.....
۳۸۲	چهارم، اکتفا به حد وسط.....
۳۸۳	پنجم، دو شیئی.....
۳۸۴	ششم، تعقل از راه ضرب‌المثل.....
۳۸۴	هفتم، استدلال از طریق سؤال.....
۳۸۴	هشتم، استدلال از طریق جایگزینی.....
۳۸۵	نهم، قیاس مرکب.....

۳۸۶	دهم، پاسخ مخالفان
۳۸۸	یازدهم، امر غلط دلیل ندارد
۳۸۸	دوازدهم، از شدت وضوح دلیل نمی‌خواهد
۳۸۹	سیزدهم، استدلال به صورت قیاس استثنائی
۳۹۰	چهاردهم، میزان‌های قرآنی از منظر غزالی
۳۹۰	گونه نخست: تعادل بزرگ‌تر
۳۹۰	گونه دوم: تعادل متوسط
۳۹۰	گونه سوم: تعادل کوچک‌تر
۳۹۱	گونه چهارم: تلازم
۳۹۱	گونه پنجم: تعاند
۳۹۱	پانزدهم، سه شیوه قرآنی
۳۹۲	گونه نخست: حکمت
۳۹۲	گونه دوم: موعظه نیکو
۳۹۲	گونه سوم: جدل نیکو
۳۹۳	هـ) ویژگی‌های استدلال‌آوری قرآن
۳۹۳	اول، ساده و همگانی
۳۹۳	دوم، مقدمات حسی
۳۹۴	سوم، حضور ذهن
۳۹۴	چهارم، روشن و آفتابی
۳۹۵	پنجم، استدلال غالب
۳۹۵	ششم، شرط صدق
۳۹۷	۲-۳. طریق قلبی
۳۹۷	الف) معرفت شهودی از منظر عارفان
۳۹۷	اول، معرفت شهودی در گذر زمان
۴۰۱	دوم، ریاضت و معرفت
۴۰۳	سوم، نقش راهنما و پیر
۴۰۴	چهارم، هدف آفرینش انسان در عرفان
۴۰۹	ب) آگاهی قلبی از نگاه قرآن
۴۰۹	اول، نمونه‌ها
۴۱۲	دوم، معیار تمییز
۴۱۴	سوم، تزکیه، راهی برای معرفت شهودی
۴۱۵	نتیجه‌گیری

فصل پنجم: ابزارها و محدوده‌های معرفت

۴۱۷	۱. ابزارهای معرفتی
۴۱۸	۱-۱. بصر
۴۱۸	الف) در لغت

۴۱۹	ب) در قرآن
۴۱۹	اول، ابزار دیدن (عین)
۴۱۹	دوم، ادراک حسی
۴۲۰	سوم، فطانت (علم دقیق)
۴۲۰	چهارم، تعقل و تفکر
۴۲۱	پنجم، بصر قلبی
۴۲۲	ششم، بصر قبول و طاعت (ایمان)
۴۲۳	هفتم، بصر هدایت
۴۲۳	هشتم، علم به مبصرات
۴۲۳	نهم، معانی کنایی
۴۲۴	۱-۲. سمع
۴۲۵	الف) در لغت
۴۲۵	ب) در قرآن
۴۲۶	اول، سمع ظاهری یا شنیدن
۴۲۷	دوم، تعقل، تفقه، فهم و علم
۴۲۸	سوم، سمع قبول و طاعت، ایمان
۴۲۹	چهارم، سمع قلبی
۴۳۰	پنجم، سمع هدایت
۴۳۰	ششم، علم به مسموعات
۴۳۱	۱-۳. لمس
۴۳۱	الف) در لغت
۴۳۲	ب) در قرآن
۴۳۳	۱-۴. ذوق
۴۳۳	الف) در لغت
۴۳۳	ب) در قرآن
۴۳۴	۱-۵. عین
۴۳۵	الف) در لغت
۴۳۵	ب) در قرآن
۴۳۵	اول، چشم سر
۴۳۶	دوم، نیروی بینایی
۴۳۷	سوم، عین قلب
۴۳۷	۱-۶. اُذن
۴۳۸	الف) در لغت
۴۳۸	ب) در قرآن
۴۳۸	اول، گوش
۴۳۸	دوم، شنونده
۴۳۹	سوم، اذن قلبی

۴۴۰	چهارم، کنایه.....
۴۴۰	۷-۱. انف.....
۴۴۱	۸-۱. فاه.....
۴۴۱	۹-۱. حنجره.....
۴۴۲	۲. محدوده‌های معرفت.....
۴۴۲	۱-۲. تسبیح موجودات.....
۴۴۳	۲-۲. احکام عمل.....
۴۴۴	۳-۲. آغاز قیامت.....
۴۴۴	۴-۲. حقیقت روح.....
۴۴۵	۵-۲. امانت الهی.....
۴۴۵	۶-۲. آینده بشر.....
۴۴۶	۷-۲. سود و زیان واقعی.....
۴۴۷	۸-۲. اسرار جهان.....
۴۴۷	۳. مراحل معرفت.....
۴۴۹	۴. انواع معرفت.....
۴۵۰	نتیجه‌گیری.....

فصل ششم: عوامل و موانع معرفت

۴۵۴	۱. عوامل و زمینه‌ها.....
۴۵۵	۱-۱. تقوا.....
۴۵۸	۲-۱. ایمان.....
۴۵۹	۳-۱. خویشن‌داری و سپاس.....
۴۶۱	۴-۱. خوف.....
۴۶۱	۵-۱. تفکر.....
۴۶۲	۶-۱. طهارت باطن.....
۴۶۳	۲. موانع و حجاب‌ها.....
۴۶۴	۱-۲. قساوت.....
۴۶۵	۲-۲. بیماری دل.....
۴۶۶	۳-۲. تعصب.....
۴۶۸	۴-۲. نفاق.....
۴۶۸	۵-۲. کبر.....
۴۶۹	۶-۲. گناه.....
۴۷۰	۷-۲. هوای نفس.....
۴۷۲	۸-۲. تقلید کورکورانه.....
۴۷۲	الف) استدلال قرآن.....
۴۷۳	ب) انواع تقلید.....
۴۷۳	ج) شرایط پیروی.....

۴۷۳ (د انگیزه تقلید کورکورانه
۴۷۴ ۲-۹. دروغ و استهزا
۴۷۵ ۲-۱۰. حب دنیا
۴۷۶ ۲-۱۱. شیطان‌گرایی
۴۷۶ ۲-۱۲. ماده‌گرایی
۴۷۷ ۳. عمل و معرفت
۴۷۹ نتیجه‌گیری
۴۸۳ منابع و مآخذ

نمایه‌ها

۴۹۳ نمایه آیات
۵۰۴ نمایه روایات
۵۰۶ نمایه موضوعات

دیباچه

به‌خوبی به یاد دارم که اوائل دهه ۱۳۷۰ تب مباحث معرفتی بالا گرفته بود و بحث درباره دانش معرفت‌شناسی جذابیت داشت. در آن زمان درباره معرفت‌شناسی چندین کتاب بود که هر مشتاقی می‌توانست با مطالعه آثاری از استاد جوادی آملی،^۱ استاد سبحانی،^۲ بابک احمدی^۳ و شاپور اعتماد^۴ خود را با ابعاد مختلف این دانش آشنا سازد. دو نکته برایم جالب بود؛ یکی اینکه، استادان حوزوی در این زمینه پیشگام بودند و نخستین آثار را پدید آوردند و این نشان‌دهنده به‌روز بودن حوزه‌هاست. دیگر اینکه، حوزویان سعی داشتند مسائل جدید معرفت‌شناسی را فهم کرده و به دین عرضه کنند تا پاسخ‌های دین را به‌دست آورند. درحالی‌که دانشگاهیان تنها به انتقال مسائل معرفت‌شناسی غرب به درون فرهنگ ایران بسنده می‌کردند، بدون اینکه موضع دینی یا غیردینی بگیرند یا حتی با ارائه چندین استدلال آن را تأیید کنند.

مایلم، مطلبی را اعتراف کنم. در دهه ۱۳۶۰ فلسفه را از استادان بزرگ حوزه و دانشگاه فراگرفتم و تا حدی با مسائل معرفتی آشنا شدم، اما دغدغه دانستن دیدگاه‌های دیگران به‌ویژه تفاوت آنها با فیلسوفان مسلمان مرا رها نمی‌کرد. تصمیم گرفتم اقدامی کنم که دو کتاب مرا به شدت به خود مشغول ساختند به گونه‌ای که دو سال آن دو کتاب را زمین نمی‌گذاشتم و خوراک هر روز من شده بود؛ یکی کتابی از دنسی^۵ و دیگری اثری از چیشلم.^۶ این دو کتاب را هر روز می‌خواندم و به سبک حوزویان مباحثه می‌کردم. آهسته‌آهسته جزوه‌ای از مباحث معرفت‌شناسی معاصر فراهم آوردم و آن را به چند نفر ارائه کردم. پس از رفع مشکلات و انجام اصلاحات،

۱. جوادی آملی، شناخت‌شناسی در قرآن.

۲. سبحانی، نظریه‌المعرفة.

۳. احمدی، کتاب تردید.

۴. اعتماد، دیدگاه‌ها و برهان‌ها.

۵. دنسی، آشنایی با معرفت‌شناسی معاصر.

۶. چیشلم، نظریه شناخت.

جزوه را در قالب کتابی عرضه کردم.^۱ این کتاب (شاید) اولین کتابی بود که منظم و مدون دانش معرفت‌شناسی و نیز معرفت‌شناسی دینی را به صورت تألیف ارائه می‌داد.

دل‌مشغولی به معرفت‌شناسی رهایم نمی‌کرد؛ تا اینکه تصمیم گرفتم از لابه‌لای کتاب‌های منطق، کلام و فلسفه، مهم‌ترین مسائل معرفت‌شناسی را از دیدگاه اندیشمندان مسلمان به دست آورم و آن را در قالب اثری مستقل عرضه کنم.^۲ در این اثر از مسائلی نظیر حقیقت علم، علم حصولی و حضوری، تصور و تصدیق و علوم بدیهی بحث شد، اما دغدغه اصلی در حال شکل‌گیری بود. دو اثر مزبور دیدگاه‌های معرفت‌شناسان معاصر و نیز اندیشمندان مسلمان را آشکار می‌ساخت. سؤال اصلی این بود آیا قرآن معرفت‌شناسی دارد؟ آیا آخرین کتاب الهی درباره‌ی چیستی معرفت، هستی معرفت، منابع معرفت و شیوه‌های حصول آن سخنی بیان داشته است؟ و اگر قرآن سخنی در این باره دارد، آیا دیدگاه این کتاب الهی بیشتر متمایل به اندیشوران غربی است یا دانشمندان مسلمان، یا اینکه نظامی مستقل دارد؟

همواره در این فکر بودم که دیدگاه‌های قرآن چه تفاوت‌هایی با دیگران دارند؟ اگر نظریه‌های مختلف معرفت‌شناختی را به قرآن عرضه کنیم به کدام پاسخ‌ها دست خواهیم یافت؟ گام نهادن در محدوده‌های نو و جدید دشواری‌هایی دارد، اما باید آنها را به جان خرید و در حوزه‌های مختلف دانش گام نهاد. امروزه نوآوری و خلاقیت یک ضرورت است. بی‌شک نوآوری از صفر آغاز نمی‌شود. فرایند پژوهش همیشه پیش‌روست و می‌توان با گام نهادن در این مسیر پرفراز و نشیب، مطالعات را گامی به جلو راند.

گرایش به دانش، ریشه در ژرفای وجود آدمی دارد و کنج‌کاوی لب بر لب هستی انسان نهاده است. حقیقت‌پژوهی در گذر زمان، از روز نخست حیات بشر آغاز شده و یار دیرین و همراه و همنشین وی بوده است. نگاه این غریزه همواره بیرون را می‌نگریست و انسان بر آن بود تا شناخت جهان و قوانین حاکم بر آن، حیرت ارزشمند خود را پاسخ گوید. خوراک ذهن بشر از سفره طبیعت فراهم می‌آمد و کشف اسرار جهان، تمام هستی او را صرف خود کرد. از این رهگذر علم‌ها پدید آمدند و روزنه و زاویه‌ای از هستی را به روی انسان گشودند. منطق، فلسفه، فیزیک، نجوم و ده‌ها شاخه علمی دیگر، پنجره‌های خانه معرفت بشرند که آدمی با آنها به تماشای جهان نشست.

نگاه بشر گامی به عقب نهاد و نگاه خود را از متعلق شناخت، به خود شناخت برگرداند و از خود

۱. فعالی، درآمدی بر معرفت‌شناسی دینی و معاصر. ۲. همو، علوم پایه: نظریه بدها.

پرسید: اگر من در پی شناخت عالم هستم، حقیقت شناخت چیست؟ ماهیت مفاهیم و قضایا که ابزار کشف واقع اند چیست و روابط آنها چگونه‌اند؟ ذهن چگونه ماهیتی دارد؟ اینها و ده‌ها پرسش دیگر، معرفت را به یک پرسش تبدیل کرد. مسئله معرفت گرچه با شکاکیت آغاز شد و علل و انگیزه‌های خاص خود را داشت، اما اصل طرح آن و حساسیت بدان، مبارک و ارزشمند بود. توجه جدی به ذهن، معرفت، منطق، ریاضیات، تقسیم بندی‌های دقیق‌تر علوم، پی‌ریزی نظریات افلاطون و ارسطو و اموری از این دست، نتایج ارزنده این رهیافت نوین به پدیده ذهن و معرفت بود. ولی مسئله معرفت را راز و زمزمه‌های بسیار است و اسرار ناگشوده فراوان دارد. و با کشف هر لایه از ذهن، انبوهی از پرسش‌های تازه و گزنده سر برمی‌آورند.

با توجه به اینکه قرآن کلام خداست و با نظر به اینکه خداوند خالق ذهن بشر است، طبعاً قواعد ذهن آدمی در کلام الهی بیان شده‌اند. به سخن دیگر، قرآن باید به اصول و قواعد ذهن انسان پرداخته و ذهن‌شناسی و معرفت‌شناسی خود را عرضه کرده باشد. بر ماست که این اصول و قواعد را کشف و آنها را طبقه‌بندی کنیم و به نظام معرفت‌شناسی قرآن دست یابیم. کتاب پیش‌رو تلاشی است در این راستا، کتاب معرفت‌شناسی در قرآن، درصدد است مسائل معرفتی را از درون آیات کشف کند و دیدگاه قرآن را نسبت به آنها به‌دست آورد. این کتاب به دنبال کشف دیدگاه‌های کلام وحی درباره همه مسئله‌های معرفت‌شناختی است چنان‌که می‌خواهد بداند آیا قرآن نظام معرفت‌شناسی دارد؟ و آیا به‌طور اصولی درصدد ارائه نظامی منسجم از اصول معرفت‌شناختی هست؟

در فصل اول کتاب، معرفت‌شناسی پیشینی و پسینی، روش‌شناسی کشف معانی واژگان قرآن و چیستی معرفت از دیدگاه قرآن بررسی شده است. فصل دوم به این سؤال مهم می‌پردازد که آیا از نظر قرآن حصول معرفت امکان‌پذیر است؟ اگر تحصیل معرفت ناممکن باشد، در این صورت شکاکیت از راه می‌رسد. مباحثی دیگر نظیر یقین، واقع‌گروی و امکان معرفت دینی نیز در پی آمده‌اند. فصل سوم عهده‌دار مسئله منابع معرفت است. از نظر قرآن کریم، طبیعت، جهان، انسان، تاریخ و وحی اصلی‌ترین و مهم‌ترین آبشخورهای معرفت و دانش به شمار می‌آیند. فصل چهارم به مسئله راه‌های حصول معرفت اختصاص یافته است. از نظر قرآن کریم شناخت به‌طور کلی از سه طریق حسی، عقلی و قلبی حاصل می‌آید. در فصل پنجم ابزارها و محدوده‌های معرفت به بحث گذاشته شده است؛ ضمن آنکه انواع معرفت و مراحل آن از دیدگاه آیات آشکار شده است. فصل ششم دو مسئله مهم را دربردارد؛ یکی عوامل و زمینه‌های حصول معرفت و دیگری موانع و حجاب‌های شناخت.

ویژگی‌های کتاب

۱. یکی از مباحث مهم در مواجهه با واژگان یا مفردات قرآن این است که معانی آنها در قرآن چه هستند؟ اما قبل از آن، باید از مسئله عمیق‌تری سخن گفت و آن شیوه‌های کشف معنای الفاظ قرآنی است. اثر حاضر در ابتدا به این مسئله مهم پرداخته و روش‌های ده‌گانه‌ای را پیش کشیده است؛
۲. در مواضع مختلف، مباحث تطبیقی ارائه شده‌اند. برای نمونه، در مسائلی نظیر چیستی معرفت، هستی معرفت، نظریه ادراک حسی، شیوه‌های توجیه، معرفت شهودی و کارکردهای عقل، مطالب به صورت مقایسه‌ای پیش‌رو قرار گرفته‌اند؛
۳. در جای‌جای اثر حاضر می‌توان استدلال‌های متعددی را به صورت منطقی شاهد بود. بیش از دو‌یست استدلال به شکل منطقی در زمینه‌های مختلف و براساس آیات قرآن تنظیم شده‌اند؛
۴. سعی بر آن بوده تا همه مباحث مربوط به حوزه معرفت‌شناسی، به قرآن عرضه شده و دیدگاه آخرین کتاب الهی استخراج و عرضه شود. چنان‌که همه دیدگاه‌ها در این رابطه بازیابی و بیان شده‌اند؛
۵. تأکید نگارنده این بوده است تا در سراسر این اثر به قرآن وفادار بماند و مطلبی از فلسفه‌های علوم دیگر بر قرآن تحمیل نکند. اهتمام بر این بوده که تنها نظریه‌ها و دیدگاه‌های قرآن عرضه شوند؛
۶. به جز طرح مباحث، وزن مسائل نیز از نظر قرآن بررسی شده است؛ بدین معنا که گاه مسئله‌ای مهم تلقی نمی‌شود، اما قرآن به آن اهتمام ورزیده است. از این‌رو در این اثر آن مسئله برجسته و شاخص شده است؛
۷. از آنجا که محور این نوشتار قرآن کریم است، طبعاً احادیث در درجه دوم قرار گرفته و در این اثر تنها به نقل تعدادی از روایات معتبر اکتفا شده است؛
۸. نوشتار حاضر سعی داشته است تا حد امکان نظریه‌پردازی کند؛ برای نمونه می‌توان از نظریه ادراک حسی از نظر قرآن نام برد؛
۹. به نظر می‌رسد در این نوشتار ابداعات و نوآوری‌های متعدد صورت پذیرفته است که می‌توان به اهم آن اشاره کرد؛ نسبت عمل و معرفت، شیوه‌های استدلال آوری قرآن، متدلوژی فهم واژگان قرآنی، طرح بسیاری از استدلال‌ها به صورت منطقی، تعریف معرفت، امکان معرفت، نظریه خلقت در باب طبیعت، نقش قصه‌ها در معرفت، ارزش حس و عقل و شهود، کارکردهای عقل، جایگاه نشانه‌شناسی و محدوده دانش بشری؛

۱۰. این کتاب می‌تواند بنیاد و پایه‌ای برای کارهای وسیع‌تر و بزرگ‌تر باشد. می‌توان از درون این نگاشته، محورهایی را استخراج و تک‌نگاره‌هایی را در ارتباط با هر کدام انجام داد. به یقین این امکان وجود دارد که دائرةالمعارف بزرگ معرفت‌شناسی در قرآن شکل گیرد.

برخی از اهم عناوین قابل بحث بدین شرح‌اند: طبیعت و معرفت، معرفت آیوی، معرفت شهودی، داستان‌ها و معرفت، نظریه ادراک حسی، شیوه‌های استدلال‌آوری قرآن، عمل و معرفت و مبانی معرفت‌شناسی علوم انسانی.

در پایان، بر خود فرض می‌دانم از دو استاد حکیم و فرهیخته، حضرت آیت‌الله جوادی آملی و حضرت آیت‌الله مصباح یزدی صمیمانه تشکر کنم؛ آنان که اگر دولت محضرشان نصیب نمی‌گشت، خردی از خرد را به کف نمی‌آوردیم. همچنین از همت و دقت جناب حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمدباقر سعیدی‌روشن، رئیس سابق پژوهشگاه حوزه و دانشگاه سپاسگزارم که زمینه خلق این اثر را فراهم ساخت. نیز از الطاف مدیر محترم گروه قرآن‌پژوهی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه جناب حجت‌الاسلام آقای دکتر محمد اسعدی تشکر می‌کنم. بر این سپاس‌ها می‌افزایم قدردانی خویش را از برادر فاضل جناب آقای حمید فلاحتی که در فرایند آماده‌سازی این پژوهش مرا یاری کرد.

محمدتقی فَعّالی

پاییز ۹۴

فصل اول

چیستی معرفت

معرفت‌شناسی، به حوزه فلسفه ارتباط داشته و به مثابه یک علم، در کانون تفکر فلسفی قرار دارد. قبل از اینکه چیزی را بدانیم، باید احکام دانستن را بدانیم و احکام دانستن در علمی بنیادین به نام معرفت‌شناسی بررسی می‌شود.

در حوزه معرفت‌شناسی دو گونه می‌توان نگریست؛ پیشینی و پسینی. معرفت‌شناسی پیشینی، نخست دستگامی فکری را در نظر گرفته با توجه به آن به حریم قرآن وارد می‌شود، اما معرفت‌شناسی پسینی در صدد است نظام معرفت‌شناسی را از درون آیات استخراج کرده به دست آورد.

نگاهی عمیق نسبت به آیات به ما نشان می‌دهد که ده‌ها واژه معرفتی در قرآن وجود دارند و کشف هرگونه نظام معرفتی متکی به فهم واژه‌های معرفتی است؛ چنان‌که فهم واژه‌های معرفتی متوقف بر بررسی روش‌شناسی کشف معنا هستند. کتاب حاضر در نظر دارد پس از کاوش در مسئله روش‌شناسی کشف معانی واژگانی قرآنی، از مفاهیم معرفتی رمزگشایی کند و درنهایت چیستی معرفت را از منظر قرآن استکشاف کرده، پیش‌رو قرار دهد.

۱. جایگاه معرفت‌شناسی

معرفت‌شناسی، یکی از شاخه‌های فلسفه است. به اعتقاد بسیاری از فلاسفه، معرفت‌شناسی در کانون فلسفه معاصر قرار گرفته است؛ زیرا دیگر شاخه‌های فلسفه در مقام آنند که معرفتی را از چیزی حاصل کنند، اما ابتدا باید بدانیم که آیا اصولاً معرفت حاصل شدنی است؟ و اگر پاسخ آری است، با چه شرایطی؟ یا اصولاً چگونه می‌توان عقیده‌ای را موجه ساخت؟ فلاسفه در پی آنند تا چیزی را بدانند، اما دانستن چیست؟ ما چه چیز را می‌توانیم بدانیم؟ و چه چیز را

نمی‌توانیم؟ شرایط دانستن کدام‌اند؟ مرزهای دانستن کجا هستند؟ چرا باید بدانیم؟ آیا انسان می‌تواند بداند؟ آیا دانش به دانسته‌های اولیه می‌رسد؟ و دانستن از کجا آغاز می‌شود؟

از علم معرفت‌شناسی، تعریف‌های گوناگونی شده است که بررسی چند نمونه از آنها می‌تواند روشن‌گر باشد.^۱ چیشلم می‌گوید: نظریه معرفت علم، توجیه باور یا به تعبیر دقیق‌تر، توجیه باور داشتن است. دنسی معتقد است: معرفت‌شناسی به مطالعه معرفت (معرفت‌پژوهی) و توجیه باور می‌پردازد. لیبسی اعتقاد دارد: تحقیق در باب ماهیت و منشأ توجیه، باور و معرفت و انواع معرفت به همراه مسائلی از قبیل: فهم، دلیل، داوری، احساس، تخیل، حدس، آموختن و نسیان را معرفت‌شناسی می‌گویند. در دائرةالمعارف فلسفه چنین آمده است: معرفت‌شناسی، به بررسی ماهیت و محدوده معرفت، پیش‌فرض‌ها و اساس اعتبار عام دعاوی معرفت علاقه‌مند است. تعریف‌های پیش‌گفته همه بر این نکته تأکید می‌کنند که معرفت‌شناسی به‌طور کلی از باور، توجیه، اعتبار معرفت و منشأ و انواع آن بحث می‌کند و در یک جمله، معرفت‌شناسی، علم توجیه باورهاست.

روش معرفت‌شناسی، روش تعقلی و منطقی است. معرفت‌شناس با معرفت برخورد عقلی و مواجهه تعقلی دارد، و این از آن روست که معرفت‌شناس با اصل معرفت و معرفتی که جامعه‌های خاص را برکنده و ریشه همه معرفت‌هاست، سروکار دارد. معرفت‌شناس، از این حیث همانند فیلسوف است، نه دانشمند طبیعی. علم تجربی از روش تجربی سود می‌جوید، چون موضوع و محور آن هستی‌های محسوس است، اما فلسفه و معرفت‌شناسی در روش یکسان هستند؛ چون موضوع دومی، معرفت مطلق است، و موضوع نخستین هستی مطلق.

در معرفت‌شناسی، مسائل مطرح شده مورد توجه قرار می‌گیرند. مهم‌ترین مسائل معرفت‌شناسی عبارت‌اند از: چیستی معرفت، هستی معرفت، منابع معرفت، شیوه‌های وصول به معرفت، ابزارهای معرفت، مراتب معرفت، گستره معرفت و ارتباط معرفت با اموری نظیر عمل. قبل از پرداختن به مسائل یاد شده، مناسب است ضمن تقسیم معرفت‌شناسی به پیشینی و پسینی، نشان دهیم که می‌توان نسبت به قرآن معرفت‌شناسی پسینی داشت.

۱. فعّالی، درآمدی بر معرفت‌شناسی دینی و معاصر، ص ۲۹.

۲. معرفت‌شناسی پیشینی و معرفت‌شناسی پسینی (معرفت‌شناسی قرآنی و معرفت‌شناسی قرآن)

اصطلاح «پیشینی» و «پسینی» در حوزه معرفت‌شناسی به گونه‌های مختلف به کار می‌رود؛ در پاره‌ای از موارد وصف پیشینی و پسینی مربوط به معرفت است. بر این اساس، معرفت‌ها یا باورها به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند: معرفت پیشینی و معرفت پسینی. در تعریف، معرفتی پیشینی است که شخص S در وضعیتی قرار گیرد که بتوان گفت نسبت به گزاره A به نحو پیشینی باور دارد. پلنتینگا، برای توصیف وضعیت مزبور دو ویژگی بیان می‌کند: نخست اینکه، شخص S به گزاره A باور داشته باشد. و دوم اینکه، این معرفت و باور به نحو پیشینی باشد. در سنت معرفت‌شناسان، باورهای پیشینی به صورت سلبی تعریف می‌شوند و آن اینکه باوری پیشینی است که مقدم بر حس و تجربه و مستقل از آن باشد.^۱ در مقابل، گزاره‌ای پسینی است که حاصل داده‌های حسی و تجربی باشد. به نظر می‌رسد اصطلاح مزبور ریشه در اندیشه‌های کانت دارد.

بر این پایه، گزاره پیشینی طبعاً گزاره‌ای حسی یا تجربی نخواهد بود، برخلاف باورهای پسینی که از سنخ تجربی هستند. گفتنی است که ملاک تمایز گزاره‌های پیشینی از پسینی در درجه نخست، صدق و کذب آنها نیست،^۲ بلکه معیار تمایز، مضمون و محتوای آن گزاره است؛ به گونه‌ای که اگر محتوای گزاره، از حس و تجربه حاصل آید، گزاره‌ای پسینی در اختیار است و اگر مقدم بر آن باشد، آن گزاره پیشینی خواهد بود. شایان گفتن است که اصطلاح مزبور در اینجا مورد نظر نیست؛ زیرا در بحث حاضر، سخن از معرفت‌شناسی پیشینی یا پسینی است نه معرفت پیشینی یا پسینی.

اصطلاح معرفت‌شناسی پیشینی و پسینی کاربرد دیگری نیز دارد؛ معرفت‌شناسی عام و خاص. معرفت‌شناسی عام، معرفت را به صورت عام و مطلق مورد نظر قرار می‌دهد درصدد کشف قواعد عام معرفت است، همانند فلسفه که به دنبال کشف قواعد عام وجود است. به این نوع معرفت‌شناسی، معرفت‌شناسی پیشینی اطلاق می‌شود؛ زیرا به معرفت پیش از آنکه خاص و جزئی شود، نظر دارد.

1. Plantinga, Alvin, Warrant: The Current Debate, V.1, p.13.

۲. حسین‌زاده، پژوهشی تطبیقی در معرفت‌شناسی معاصر، ص ۳۶.

نوع دیگری از معرفت‌شناسی وجود دارد که به حوزه‌ها و محدوده‌های خاص - نه کلی و مطلق - معرفتی می‌پردازد. به این نوع، معرفت‌شناسی خاص، اطلاق می‌شود که طبعاً از نوع معرفت‌شناسی پسینی است. برای مثال، معرفت‌شناسی علمی به معارف علمی (فلسفه علم) و معرفت‌شناسی عرفانی به معرفت‌ها و تجربه‌های عرفانی و نیز معرفت‌شناسی دینی به باورها و عقاید دینی می‌پردازد. موضوع معرفت‌شناسی خاص یا معرفت‌شناسی مضاف، معرفت‌هایی هستند که در جغرافیای خاصی مطرح می‌شوند؛ طبعاً این‌گونه معرفت‌شناسی، پسینی بوده و معرفتِ درجه دوم تلقی می‌شود. صفت «پسینی» در اینجا به معنای «بعد از معرفت» است؛ یعنی مسبوق به معرفت‌های دیگر است و به نوعی به تجزیه و تحلیل آنها می‌پردازد. در اینجا وصف «پسینی» معادل اصطلاح «بعد از تجربه» که تعبیری کانتی است، نیست و طبعاً اصطلاحی خاص است.

معرفت‌شناسی پیشینی، پیش از خود، معرفتی خاص ندارد؛ بلکه خود به نظریه‌پردازی معرفتی همت می‌گمارد. معرفت‌شناسی عام، علم تولیدکننده است و معرفت‌شناسی مضاف، مصرف‌کننده؛ مانند نسبتی که میان اصول فقه و فقه، یا عصب‌شناسی و پزشکی یا ریاضیات و اقتصاد است. طبعاً معرفت‌شناسی عام، علم نظریه‌پردازی است و در معرفت‌شناسی مصرف‌کننده آن تئوری‌ها و دیدگاه‌ها به کار گرفته و به خورد حوزه‌های خاص معرفتی داده می‌شوند. اگر تئوری‌های معرفت‌شناختی خاص واری و لایه‌های درهم‌تنیده آن از هم جدا گردند، از اصولی سر در می‌آوریم که در مباحث عام معرفت‌شناسی مطرح می‌شوند. بنابراین، آغاز راه، معرفت‌شناسی عام است و مقصد، معرفت‌شناسی خاص. شایان گفتن است که در اینجا این اصطلاح هم مراد نیست.

وصف پیشینی و پسینی در معرفت‌شناسی، کاربرد سومی نیز دارد که همین اصطلاح در اینجا مراد است. در قرآن به دو گونه می‌توان معرفت‌شناسی کرد؛ معرفت‌شناسی پیشینی (بیرونی) و معرفت‌شناسی پسینی (درونی). نخست آنکه یکی از نحله‌های معرفت‌شناسی را باید مورد توجه قرار داد و با این دید وارد قرآن شد و از قرآن آیاتی مناسب یافت و با کنار هم قرار دادن آیات در مباحث مختلف یک نظام معرفت‌شناسی را تأیید یا تعلیق یا رد کرد. برای نمونه، می‌توان گفت در معرفت‌شناسی اسلامی - که مباحث آن عمدتاً در منطق و کلام و فلسفه آمده‌اند - مسائل مختلفی پیرامون علم و ادراک مطرح است از قبیل: تعریف معرفت، نفسی شکاکیت، انواع علم،